





شرح دعای شانزدهم صحیفه سجادیه

امرزش خواهی از گناهان

---

محقق: فاطمه پورشفیع

سال: فروردین ۹۷

## مقدمه:

اگر تو نخواهی دنیا به تو دروغ نمی گوید!

اگر تو نخواهی دنیا به تو پشت نمی کند!

اگر تو نخواهی دنیا به تو خیانت نمی کند!

اگر تو نخواهی دنیا مذموم نمی شود .

اگر تو بخواهی دنیا ممدوح است!

اگر تو بخواهی دنیا خانه عافیت و عاقبت بالخیری است.

اگر تو بخواهی دنیا محل توشه گرفتن برای آخرت است.

اگر تو بخواهی دنیا ، خانه پند و اندرز است برای نیکو زیستن نه برای نمایش ظلمتها.

اگر تو بخواهی دنیا مظهر لطف خدا و دارالمتقین میباشد نه محلی برای مفسد و بروز خطاهای قلبی و قالبی

اگر تو بخواهی دنیا محل نزول آسایش و آرامش و قرار خواهد شد آنهم با صبر برمشگلات و گرفتاریها.

اگر تو بخواهی که بدانی دنیا ، محل فرود وحی الهی و بازار تجارت اولیاء الهی است.

اگر تو بخواهی که بدانی دنیا ، محل دور شدن از انحرافات فکری و کج رویها و طغیانهاست.

اگر تو بخواهی که بدانی دنیا هر قدر تعلقاتش بیشتر شود، حُجُبهایش زیادتر و غلیظ تر می گردد.

اگر تو بخواهی که بدانی میزان وابستگی به دنیا را ، اینکه هر چقدر این وابستگی زیادتر باشد فاصله حُجُب های

انسانی و دار کرامت الهی و پرده ما بین قلب انسانی و راه حق سخت تر و دشوارتر است.

از دنیای مذموم بگسل ، خودت را از این دنیا جدا کن، ریشه محبت به دنیای مذموم را سست کن ؛ تا از خطرات و عواقب سوء آن که نتیجه ای جز بر باد رفتن ایمان و آشفتهگی در امور دنیا و آخرت است محفوظ و در امان باشی .

ایکه در نعمت و نازی به جهان غره مشو      که محال است در این دایره امکان خلود

ایکه در شدت فقری و پریشانی حال      صبر کن کاین دو سه روزی بسر آید معدود

الدعاء السادس عشر: دعای شانزدهم و شرح آن: برشمردن گناهان و طلب عفو از عیوب.

(وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا اسْتَقَالَ مِنْ ذُنُوبِهِ ، أَوْ تَضَرَّعَ فِي طَلَبِ الْعَفْوِ عَنْ عِيُوبِهِ)

اللَّهُمَّ يَا مَنْ بِرَحْمَتِهِ يَسْتَعِيثُ الْمُذْنِبُونَ بِارْحَادِيَا، اِی که گناهکاران به رحمتت فریاری می کنند

وَ يَا مَنْ اِلَى ذِكْرِ اِحْسَانِهِ يَفْنَعُ الْمُضْطَرُونَ وَ يَا مَنْ لِخِيفَتِهِ يَنْتَجِبُ الْخَاطِئُونَ

وای که بیچارگان به یادآوری احسانت پناه می برند، اِی که خطاکاران از بیم تو به شدت گریه می کنند،

يَا اُنْسَ كُلِّ مُسْتَوْحِشٍ غَرِيبٍ ، اِی همدم هر وحشت زده دور از وطن،

وَ يَا فَرَجَ كُلِّ مَكْرُوبٍ كَيْبٍ ، اِی گشایش هر اندوهگین دلشکسته،

وَ يَا غَوْثَ كُلِّ مَخْذُولٍ فَرِيدٍ ، اِی فریادرس هر درمانده تنها،

، وَ يَا عَضُدَ كُلِّ مُحْتَاجٍ طَرِيدٍ اِی مددکار هر محتاج رانده شده

اَنْتَ الَّذِي وَسِعَتْ كُلُّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَ عِلْمًا ، تویی که رحمت و دانشت همه چیز را فرا گرفته،

وَ اَنْتَ الَّذِي جَعَلْتَ لِكُلِّ مَخْلُوقٍ فِي نِعْمِكَ سَهْمًا ، تویی که هر آفریده را از نعمتهایت بهره ای مقرر فرموده ای،

وَ اَنْتَ الَّذِي عَفُوهُ اَعْلَى مِنْ عِقَابِهِ ، تویی که عفو تو بر عقابت غلبه دارد،

وَ اَنْتَ الَّذِي تَسَعَى رَحْمَتُهُ اَمَامَ غَضَبِهِ . و تویی که مهتر پیشاپیش غضبت در حرکت است،

وَ اَنْتَ الَّذِي عَطَاؤُهُ اَكْثَرُ مِنْ مَنَعِهِ ؛ و تویی که عطایت از منعت بیشتر است،

. وَ اَنْتَ الَّذِي اتَّسَعَ الْخَلَائِقُ كُلُّهُمْ فِي وَسْعِهِ . و تویی که پهنه رحمت و مهتر همه آفریدگان را فرا گرفته،

وَ أَنْتَ الَّذِي لَا يَرْغَبُ فِي جَزَاءٍ مَنْ أُعْطَاهُ؛ و تویی که چون نعمت به کسی مرحمت کنی چشم پاداش از او نداری،

وَ أَنْتَ الَّذِي لَا يُفْرِطُ فِي عِقَابٍ مَنْ عَصَاهُ. و تویی که در کیفر عاصیان افراط نمی کنی و اعتدال را رعایت می کنی،

وَ أَنَا ، يَا إِلَهِي ، عَبْدُكَ الَّذِي أَمَرْتَهُ بِالدُّعَاءِ فَقَالَ لَيْتَكَ وَ سَعْدَيْكَ ، و من، ای خدای من، آن بنده توام که او را به دعا فرمان دادی پس لبتیک و سعدتیک گفت و فرمانت را بجای آورد،

هَا أَنَا ذَا ، يَا رَبِّ ، مَطْرُوحٌ بَيْنَ يَدَيْكَ . أَنَا الَّذِي أَوْفَرَتِ الْخَطَايَا ظَهْرَهُ ، وَ أَنَا الَّذِي أَفْنَتِ الذُّنُوبُ عُمُرَهُ ، وَ أَنَا الَّذِي بَجَهْلِهِ عَصَاكَ ، وَ لَمْ تَكُنْ أَهْلًا مِنْهُ لِذَاكَ .

اینک منم ای پروردگار من که در پیشگاهت به خاکساری درافتاده ام، منم که خطاها پشتم را گرانبار کرده، و منم که گناهان عمرم را به تباهی برده، و منم که از سر جهالت تو را نافرمانی کرده ام در صورتی که تو شایسته این نبودی که من چنین کنم.

هَلْ أَنْتَ ، يَا إِلَهِي ، رَاحِمٌ مَنْ دَعَاكَ فَأُبْلِغَ فِي الدُّعَاءِ أَمْ أَنْتَ غَافِرٌ لِمَنْ بَكَكَ فَاسْرِعَ فِي الْبُكَاءِ أَمْ أَنْتَ مُتَجَاوِزٌ عَمَّنْ عَفَرَ لَكَ وَجْهَهُ تَذَلُّلاً أَمْ أَنْتَ مُغْنٍ مَن شَكَا إِلَيْكَ ، فَقَرَهُ تَوَكُّلاً

ای خدای من، آیا اگر کسی تو را بخواند بر او رحمت می آوری تا در دعا بکوشم؟ یا کسی را که به درگاہت بنالد می آمرزی تا در گریه شتاب نمایم؟ یا از کسی که از سر فروتنی صورت به خاک درگاہت بساید در می گذری؟ یا کسی را که به پیشگاهت از سر اعتماد از فقر و نداری خود شکوه کند بی نیاز می گردانی؟

إِلَهِي لَا تُخَيِّبْ مَنْ لَا يَجِدُ مُعْطِياً غَيْرَكَ ، وَ لَا تَحْذُلْ مَنْ لَا يَسْتَعِينِي عَنْكَ بِأَحَدٍ دُونِكَ .

ای خدای من، آن را که جز تو عطاکننده ای نمی یابد ناامید مکن و کسی را که از تو به غیر تو بی نیاز نمی شود، بی یاری مگذار.

إِلَهِي فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ لَا تُعْرِضْ عَنِّي وَ قَدْ أَقْبَلْتُ عَلَيْكَ ، وَ لَا تَحْرِمْنِي وَ قَدْ رَغِبْتُ إِلَيْكَ ، وَ لَا تَجْهِنِي بِالرَّدِّ وَ قَدْ أَنْتَصَبْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ .

خدای من، پس بر محمد و آلش درود فرست و اکنون که به تو روی آورده‌ام از من روی مگردان و در حالی که دل به تو داده‌ام محروم منما و اکنون که در درگاهت به پای ایستاده‌ام دست رد به سینه‌ام مزن.

أَنْتَ الَّذِي وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِالرَّحْمَةِ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَارْحَمْنِي ، وَأَنْتَ الَّذِي سَمَّيْتَ نَفْسَكَ بِالْعَفْوِ فَاعْفُ عَنِّي؛ تویی که ذات خود را به رحمت و مهر توصیف کرده‌ای. پس بر محمد و آلش درود فرست، و بر من رحمت آور، و تویی آن که خود را خطابخش نامیده‌ای، پس مرا عفو کن،

قَدْ تَرَى يَا إِلَهِي ، فَيْضَ دَمْعِي مِنْ خَيْفَتِكَ ، وَوَجِيبَ قَلْبِي مِنْ خَشْيَتِكَ ، وَانْتِقَاصَ جَوَارِحِي مِنْ هَيْبَتِكَ  
بی شک می‌نگری ای خدای من، از خوفت جریان اشکم را، و از ترست پریشانی دلم را، و از هیبتت لرزش اعضايم را.

كُلُّ ذَلِكَ حَيَاءٌ مِنْكَ لِسُوءِ عَمَلِي ، وَلِذَاكَ خَمَدَ صَوْتِي عَنِ الْجَارِ إِلَيْكَ ، وَكَلَّ لِسَانِي عَنْ مُنَاجَاتِكَ .

این همه از شرمساری من به خاطر سوء رفتار من است، و به همین خاطر از شدت زاری به درگاهت صدایم فرو خفته و زبانم از راز و نیاز با تو بازمانده.

يَا إِلَهِي فَلَكَ الْحَمْدُ فَكَمْ مِنْ عَائِبَةٍ سَتَرْتَهَا عَلَيَّ فَلَمْ تَفْضَحْنِي ، وَكَمْ مِنْ ذَنْبٍ عَطَيْتَهُ عَلَيَّ فَلَمْ تَشْهَرْنِي ، وَكَمْ مِنْ شَائِبَةٍ أَلَمَّمْتُ بِهَا فَلَمْ تَهَيْتِكَ عَنِّي سِتْرَهَا ، وَكَمْ تَقَلَّدْتَنِي مَكْرُوهَ سَنَارِهَا ، وَكَمْ تُبَدِّ سَوْءَاتِهَا لِمَنْ يَلْتَمِسُ مَعَايِي مِنْ جِيرَتِي ، وَحَسَدَهُ نِعْمَتِكَ عِنْدِي

ای خدای من، سپاس تو را، چه بسا عیب‌ها که بر من پوشاندی و مرا به میدان افتضاح و رسوایی نکشاندی و بسا گناهان مرا که مستور داشتی و به آنم مشهور نمودی و بسا بدی‌ها و پلیدی‌های من که پرده آنها ندریدی و حلقه ننگ آن زشتی‌ها بر گردنم نیفکندی و زشتی‌های گناهم را نزد همسایگانی که در پی عیوب من اند و حسودانی که خواهان زوال نعمت از من اند آشکار نمودی،

ثُمَّ لَمْ يَنْهَنِي ذَلِكَ عَنْ أَنْ جَرَيْتُ إِلَى سُوءِ مَا عَهَدْتَ مِنِّي

ولی این الطاف تو مرا از گرایش به بدی‌هایی که از من سراغ داری باز نداشت!!

فَمَنْ أَجْهَلُ مِنِّي ، يَا إِلَهِي ، بِرُشْدِهِ وَ مَنْ أَغْفَلُ مِنِّي عَنْ حَظِّهِ وَ مَنْ أَبْعَدُ مِنِّي مِنْ اسْتِصْلَاحِ نَفْسِهِ حِينَ أَنْفَقُ مَا أُجْرَيْتَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ فِيمَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَ مَنْ أَبْعَدُ غَوْرًا فِي الْبَاطِلِ ، وَ أَشَدُّ إِقْدَامًا عَلَى السُّوءِ مِنِّي حِينَ أَقِفُ بَيْنَ دَعْوَتِكَ وَ دَعْوَةِ الشَّيْطَانِ فَاتَّبِعُ دَعْوَتَهُ عَلَى غَيْرِ عَمَى مِنِّي فِي مَعْرِفَتِهِ بِهِ وَ لَا نِسْيَانٍ مِنْ حِفْظِي لَهُ

پس ای خدای من، نادان‌تر از من به صلاح کار خود کیست؟ و غافل‌تر از من به نصیب و حظّ خویش کدام انسان است؟ و چه کسی از من از اصلاح نفس خویش دورتر است آنگاه که تمام نعمت‌هایی را که به من لطف می‌کنی در اموری که مرا از آن نهی فرموده‌ای صرف می‌کنم؟ و چه کسی بیش از من در غرقاب باطل فرو رفته و بر اقدام به گناه پیشتاز شده آنگاه که میان دعوت تو و دعوت شیطان توقف می‌کنم و با آنکه او را به خوبی می‌شناسم و وضع او از یاد من نرفته، دعوت او را پیروی می‌کنم؟

وَ أَنَا حِينَئِذٍ مُوقِنٌ بِأَنَّ مُتَهَيِّئَةَ دَعْوَتِكَ إِلَى الْجَنَّةِ ، وَ مُتَهَيِّئَةَ دَعْوَتِهِ إِلَى النَّارِ . سُبْحَانَكَ مَا أَعْجَبَ مَا أَشْهَدُ بِهِ عَلَى نَفْسِي ، وَ أَعَدَّدَهُ مِنْ مَكْتُومِ أَمْرِي .

در صورتی که می‌دانم عاقبت دعوت تو به سوی بهشت، و سرانجام دعوت او به سوی آتش جهنم است، ای خدای من منزهی تو، چه شگفت‌انگیز است که به زیان خود شهادت می‌دهم! و امور نهان خود را شماره می‌نمایم!

وَ أَعْجَبُ مِنْ ذَلِكَ أَنَا تَكَ عَنِّي ، وَ إِبْطَاؤُكَ عَنْ مُعَاجَلَتِي ، وَ لَيْسَ ذَلِكَ مِنْ كَرَمِي عَلَيْكَ ، بَلْ تَأْتِيَا مِنْكَ لِي ، وَ تَفْضُلًا مِنْكَ عَلَيَّ لِأَنَّ ارْتِدَاعَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ الْمُسْخَطِ ، وَ أَقْلَعَ عَنْ سَيِّئَاتِي الْمُخْلَقِ ، وَ لِأَنَّ عَفْوَكَ عَنِّي أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ عَفْوَتِي؛

و شگفت‌آورتر از آن بردباری تو از من، و درنگت از مؤاخذه سریع من است، و علتش این نیست که من در آستان تو انسانی بزرگووارم، بلکه از روی مدارای تو با من و تفضل تو بر من است، تا مگر از نافرمانی تو که خشم‌انگیز است باز ایستم و خود را از گناهایی که آبرویم را می‌برد بازدارم، و از آن روست که گذشتت را از من بیش از کیفرم دوست داری،

بَلْ أَنَا ، يَا إِلَهِي ، أَكْثَرُ ذُنُوبًا ، وَ أَقْبَحُ آثَارًا ، وَ أَشْنَعُ أَعْمَالًا ، وَ أَشَدُّ فِي الْبَاطِلِ تَهَوُّرًا ، وَ أضعْفُ عِنْدَ طَاعَتِكَ تَيْقُظًا ، وَ أَقَلُّ لَوْعِيدِكَ انْتِبَاهًا وَ ارْتِقَابًا مِنْ أَنْ أَحْصِيَ لَكَ غَيْبِي ، أَوْ أَقْدِرَ عَلَى ذِكْرِ ذُنُوبِي .

وگرنه ای خدای من، گناهانم فراوان تر، و آثارم زشت تر، و کردارم شنیع تر، و گستاخی ام در باطل شدیدتر، و بیداری ام برای طاعت بسیار ضعیف تر و هشیاری و مراقبتم در مقابل تهدیدت ناچیزتر از آن است که بتوانم عیوبم را در پیشگاهت شماره کنم، یا قدرت یادکردن گناهانم را داشته باشم،

وَ إِنَّمَا أُوْبِخُ بِهَذَا نَفْسِي طَمَعًا فِي رَأْفَتِكَ الَّتِي بِهَا صَلَاحُ أَمْرِ الْمُذْنِبِينَ ، وَ رَجَاءٌ لِرَحْمَتِكَ الَّتِي بِهَا فَكَأَكُ رِقَابِ الْخَاطِئِينَ .

و خود را به این صورت نکوهش می کنم؛ زیرا که به مهرت چشم طمع دارم که اصلاح کار گنهکاران وابسته به مهر توست، و هم از باب امید به رحمت توست که آزادی خطاکاران در گرو آن است.

اللَّهُمَّ وَ هَذِهِ رَقَبَتِي قَدْ أُرْقَتْهَا الذُّنُوبُ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ أَعْتَقْهَا بِعَفْوِكَ ، وَ هَذَا ظَهْرِي قَدْ أَثْقَلْتَهُ الْخَطَايَا ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ خَفِّفْ عَنْهُ بِمَنِّكَ

خدای من، این گردن من است که گناهان آن را در بند کرده، پس بر محمد و آلش درود فرست، و آن را به عفو از عذاب برهان، و این پشت من است که بار خطاها آن را سنگین نموده، پس بر محمد و آلش درود فرست، و به بخشش آن را سبک فرما.

يَا إِلَهِي لَوْ بَكَيْتُ إِلَيْكَ حَتَّى تَسْقُطَ أَشْفَارُ عَيْنِي ، وَ انْتَجَبْتُ حَتَّى يَنْقَطِعَ صَوْتِي ، وَ قُفْتُ لَكَ حَتَّى تَتَشَرَّرَ قَدَمَايَ ، وَ رَكَعْتُ لَكَ حَتَّى يَنْخَلِعَ صُلْبِي ، وَ سَجَدْتُ لَكَ حَتَّى تَتَفَقَّأَ حَدَقَتَايَ ، وَ أَكَلْتُ تُرَابَ الْأَرْضِ طُولَ عُمْرِي ، وَ شَرِبْتُ مَاءَ الرَّمَادِ آخِرَ دَهْرِي ، وَ ذَكَرْتُكَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ حَتَّى يَكِلَ لِسَانِي ، ثُمَّ لَمْ أَرْفَعْ طَرْفِي إِلَى آفَاقِ السَّمَاءِ اسْتِحْيَاءً مِنْكَ مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئِهِ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي .

ای خدای من، اگر به درگاهت آن قدر زاری کنم که پلک چشمانم بر هم افتد، و چندان به گریه و ناله صدا بلند کنم که صدایم قطع گردد و چندان به پیشگاهت بر پای ایستم که پایم ورم کند، و آن قدر برایت رکوع نمایم که استخوان های پشتم از هم بپاشد و چندان سجده کنم که چشم هایم از کاسه درآید و در همه عمرم خاک زمین خورم و تا زنده ام آب آلوده به خاکستر بنوشم و در اثنای این احوال چندان ذکر تو گویم که زبانم از کار بماند، آنگاه از روی شرمساری چشم به آفاق آسمان باز نکنم، با این همه مستحق محو یکی از گناهانم نخواهم بود



وَإِنْ كُنْتَ تَغْفِرُ لِي حِينَ أَسْتَوْجِبُ مَغْفِرَتَكَ ، وَتَغْفُو عَنِّي حِينَ أَسْتَحِقُّ عَفْوَكَ فَإِنَّ ذَلِكَ غَيْرُ وَاجِبٍ لِي بِاسْتِحْقَاقٍ ، وَ لَا أَنَا أَهْلٌ لَهُ بِاسْتِيجَابٍ ، إِذْ كَانَ جَزَائِي مِنْكَ فِي أَوَّلِ مَا عَصَيْتَكَ النَّارَ ، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَنْتَ غَيْرُ ظَالِمٍ لِي .

و اگر به وقتی که سزاوار آمرزشت شوم مرا بیامرزی، و در آن زمان که مستحق عفو و شوم از من بگذری، همانا این آمرزش و بخشش به خاطر استحقاق من نیست، و من این شایستگی را ندارم؛ زیرا جزای من در نخستین گناه آتش جهنم بود، پس اگر مرا به عذاب مبتلا کنی بر من ستم نکرده‌ای.

إِلَهِي فَإِذْ قَدْ تَعَمَّدَنِي بِسِرِّكَ فَلَمْ تَفْضَحْنِي ، وَ تَأْتَيْتَنِي بِكَرَمِكَ فَلَمْ تُعَاجِلْنِي ، وَ حَلَمْتَ عَنِّي بِتَفَضُّلِكَ فَلَمْ تُعَيِّرْ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ ، وَ لَمْ تُكَدِّرْ مَعْرُوفَكَ عِنْدِي ، فَارْحَمْ طُولَ تَضَرُّعِي وَ شِدَّةَ مَسْكَتِي ، وَ سُوءَ مَوْقِفِي .

ای خدای من، اکنون که مرا به پرده‌پوشی‌ات در پوشیده و رسوایم نکرده‌ای و به بزرگواری‌ات با من مدارا نموده‌ای و به کیفرم عجله نکرده‌ای و از سرِ فضلت بردباری ورزیده‌ای و نعمت را از من زایل نساخته‌ای، و احسانت را بر من تیره نموده‌ای، پس بر طول زاری‌ام و سختی زمینگیری‌ام، و بدی حالم رحمت آر.

. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ قِنِي مِنَ الْمَعَاصِي ، وَ اسْتَعْمِلْنِي بِالطَّاعَةِ ، وَ ارْزُقْنِي حُسْنَ الْإِنَابَةِ ، وَ طَهِّرْنِي بِالتَّوْبَةِ ، وَ أَيِّدْنِي بِالْعِصْمَةِ ، وَ اسْتَصْلِحْنِي بِالْعَافِيَةِ ، وَ أذِقْنِي حَلَاوَةَ الْمَغْفِرَةِ ، وَ اجْعَلْنِي طَلِيقَ عَفْوِكَ ، وَ عَتِيقَ رَحْمَتِكَ ، وَ اكْتُبْ لِي أَمَانًا مِنْ سُخْطِكَ ، وَ بَشِّرْنِي بِذَلِكَ فِي الْعَاجِلِ دُونَ الْآجِلِ ، بِشَرِي أَعْرِفُهَا ، وَ عَرَّفْنِي فِيهِ عِلْمًا أَتَّبِينُهَا .

بارخدایا بر محمد و آلش درود فرست و مرا از گناهان حفظ کن، و به طاعتم وادار، و حُسن بازگشت قلبی را روزیم فرما، و از لوث گناه به توفیق توبه پاکم کن، و به موهبت عصمت تأییدم نما، و امر حیات و زندگی‌ام را با عافیت به صلاح آر، و شیرینی عفو را به من بچشان، و مرا رها شده عفو و آزاد گشته رحمت قرار ده و از خشم خود خطّ امانم ده، و هم اکنون نه در آینده به مژده آن خوشحالم کن، مژده‌ای که آن را بشناسم، و با نشانه‌ای که آن را آشکار بینم آگاهم فرما،

إِنَّ ذَلِكَ لَا يَضِيقُ عَلَيْكَ فِي وَسْئِكَ ، وَ لَا يَتَكَدَّرُ فِي قُدْرَتِكَ ، وَ لَا يَنْصَعِدُكَ فِي أُنَاتِكَ ، وَ لَا يُثَوِّدُكَ فِي جَزِيلِ هِبَاتِكَ الَّتِي دَلَّتْ عَلَيْهَا آيَاتُكَ ، إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ ، وَ تَحْكُمُ مَا تُرِيدُ ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

که این کار از توان تو بیرون نیست، و از قدرتت بر تو دشوار نباشد و با توجه به حلمت بر تو سخت نیست، و در قبال بخشش‌های فراوانت که آیات تو گواه آنهاست بر تو سنگین نیاید، که همانا تو هر چه خواهی کنی، و به هر چه اراده‌ات تعلق گیرد فرمان دهی، که تو بر هر کار و همه چیز توانایی

### شرح دعای شانزدهم صحیفه سجاده: (از بند اول تا بند ۷ بطور خلاصه)

عالم ملکوت سراسر حیات و علم است، "وإن الدار الآخرة لهی الحيوان" خداوند تعالی به مقتضای ربوبیت خود برای تربیت بشر و رساندن او به کمال شایسته خویش، هم خود را به بشر شناسانده و هم یک سلسله عبادات و وظایف اخلاقی برای بشر معین فرموده است تا انسان در سایه عمل به آن عبادات و مناجات و کسب وظایف اخلاقی به کمالی که برای آن آفریده شده است برسد. مناجات با خداوند دریچه‌ای است بسوی عالم ملکوت و عروج او در کسب معارف اسلامی و در این بین امام سجاده (ع) در مناجات شانزدهم می‌فرماید: "خداوند تعالی فریاد رس گناهکاران، پناه بیچارگان، پناه درماندگان و صاحب رحمانیت است که استغاثه گناهکاران را با رحمت خود پاسخ می‌دهد. خداوند تعالی صاحب عظمت و بزرگی است که انسان خطاکار (آن هنگام که اشتباه و خطا و سیئات در زندگی غالب شده و مانند کرم ابریشم از سلسله‌های شهوات و آمال برخوردار شده و یک سره از عالم غیب و محفل انس چشم بریده است) از خوف پروردگارش جز تضرع و زاری در برابرش راه دیگری ندارد."

پس می‌گوییم: پروردگرم، مرا لباس هستی پوشاندی و تمام وسایل حیات را ما فوق ادراکم برای من مهیا ساختی و راه هدایت را از راه ضلالت متمایز نمودی در حالی که پیشگاه عظمت می‌آیم که گناهان مرا خوار و ذلیل و عقب رانده کرده، ای فریاد رس بیچارگان و درماندگان!

خداوند بر مبنای صفات جمال و جلال خود و بر مبنای علم و قدرت خود مقدراتی را برای بشر تعیین کرده است. موجودات زنده در دنیای ما هر کدام بنا بر مصلحت و مقدرات الهی سهمی مشخص دارند. که این سهم جبر نیست بلکه بنا بر اختیار انسان تدوین شده است.

دیگر از صفات الهی عفو و گذشت اوست که غالب بر عقابش و رحمانیت او که غالب بر غضبش می‌باشد. نعمتهای الهی بر موجودات زنده بی‌منت و فراوان است زیرا خداوند عطایش از منعش فزونتر است. (أنت الذی عطاؤه اکثر من منعه) و بنده در برابر این نعمتهای فراوان باید شاکر باشد و بداند که خداوند هیچ منتی بر او ندارد و توقع پاداش از هیچ چیز و هیچ کس ندارد. (أنت الذی لا یرغب فی جزاء من أعطاه)

او خدایی است که در عقاب عاصیان افراط نمی کند - (أنت الذی لا یفرط فی عقاب من عصاه) خداوند تبارک و تعالی محل نزول نعمتهاست - نعمتهای او پایان ندارد - توقع پاداشی از مخلوق ندارد - اهل اعتدال است و عدالت - با این صفات و بر این اساس به بنده فرصت می دهد تا بخود بیاید و توبه کند قبل از اینکه گناهکار از دنیا برود.

### مناجات بنده با خدا بعد از پشیمانی از کردار و رفتار سوء:

- خدایا به نزدت آمدم تا سعادت دنیا و آخرت را نصیبم گردانی " لیبک وسعدیک "
- خدایا بسویت آمدم و تسلیم تو شدم .
- گناهان را پشت سر گذاشتم و ترک کردم .
- بسویت حرکت می کنم با علم و دانش نه با جهل و نادانی که تباهی عمر است.
- از تمام آنچه که تو نهی کردی دوری گزیدم که آنها جز انحراف و ضلالت و طغیان و سرکشی چیز دیگری نیست.
- خدایا تو را شناختم آنگونه که تو سزاوار شناختن هستی.
- خدایا تورا عصیان نمی کنم که تو سزاوار عصیان نیستی.
- خدایا نمی دانم از چه راهی وارد شوم تا عنایت تو بر من غالب گردد.
- خدایا گاهی دوستانت را برخ من می گشانی و دعایشان را مستجاب می کنی تا من نیز در دعا کردن مثل آنها عمل کنم.
- خدایا تو بخشنده کسانی هستی که قلبشان از گناهان بیزار می جوید و اشکشان جاری باشد. (...والیبکوا کثیرا... (توبه ۸۲) " البکاء من خشیة الله ینیر القلب و یعصم من معاودت الذنب " گریه از ترس خدا قلب را روشن و نگهدارنده از بازگشت به گناه است. " (غررالحکم)
- آیا اشک از خوف تو قلبم را نورانی می کند؟ خدایا پریشانم از خوف تو و نا امید ، تمام اندامم از هیبت تو به لرزش افتاده - صدایم از شدت راز و نیاز با تو گرفته شده - پشیمانم از آنچه که انجام دادم و تو را از خودم دور ساختم.

• خدایا تو بخشنده کسانی هستی که روی خود را بخاک بسایند و در برابر تو خواری جوید و بر تو توکل کند . پس مرا رد مکن و نا امیدم نکن. از گناهانم در گذر که گذشت تو از من نزول نعمت فراوانت بر من است.

### دو واقعیت وجود دارد در توکل و توسل:

۱- اینکه عطا کننده ای جز تو نیست پس هر که بسوی تو آید نا امید مگردان.

۲- کسی را وامگذار به خودش که جز تو پناهی ندارد.

پس چنان او را عبادت کن گوئی اینکه تو او را می بینی و اگر تو او را نمی بینی او ترا می بیند. " رسول خدا(ص) فرمود: أَعْبُدُ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنَّ لَمْ تَكُن تَرَاهُ فَأَنَّهُ يَرَاكَ. (مِيزَانُ الْحِكْمَةِ)

### سپاس از خدا در بند ۷ این دعا:

الحمد لله؛ جميع انواع ستایشها مختص بذات مقدس الوهیت است. الحمد لله جامع توحید است و میزان را پر کند. بنده گناهکار در مناجات با خداوند اینگونه او را سپاس میگوید:

الف: سپاس از اینکه مرا رسوا نکردی با وجود تمام عیبها.

ب: چه بسیار گناهانی که بر من پوشاندی و اشاعه ندادی.

ج: چه بسیار زشتیها و آلودگیها را که انجام دادم و تو پرده برداری نکردی؛ و طوق خواری و ذلت را برگردنم نیفکندی.

چ: زشتیهای مرا پوشاندی حتی از همسایگان عیب جو و حسودان "پوشاندن عیوب من بزرگترین نعمتی است که تو به من داده ای".

د: خدایا اقرار می کنم که گناهکارم چون با وجود مرحمتهای کثیر تو، هرگز دست از گناه نشستم.

### بنده غافل در بند ۸:

لا يقبل الله دعاء قلب ساه: خداوند دعای دلی را که غافل باشد قبول نمی کند. (پرواز در ملکوت- ج ۲ ص ۲۹۱)

۱- بنده غافل به خیر و صلاح خود نادان است.

۲- بنده غافل در بهره گیری از ارزشهای دنیا بخاطر آخرت ناتوان است .

۳- بنده غافل از اصلاح و تهذیب نفس خود بسیار دور است.

۴- بنده غافل سوء استفاده از نعمتهای الهی دارد، و نعمتهای الهی را در معصیتهایی که از آن نهی شده مصرف

می کند!

۵- بنده غافل همچنان فرو رفته در باطل است.

۶- بنده غافل جرأت بر سوء رفتار دارد.

۷- بنده غافل بر سر دو راهی قرار می گیرد یک راه دعوت خدا و یک راه دعوت شیطان.

۸- بنده غافل کور است با وجود معرفت الله - پس دعوت شیطان را می پذیرد با اینکه می داند دعوت شیطان راهی بسوی آتش است و دعوت خدا راهی بسوی بهشت است.

**سبحانک؛ خداوند تو منزهی - بند ۹**

**شناخت مهربانی خدا و شناخت نفس گناهکار انسانی:**

**الف:** خداوند از هر بدی منزّه است پس در برابر عبدش مهربان و صاحب رحمت است.

**ب:** عبد گناهکار و اقرار او به گناهش و بر شمردن امور ناپسند که همواره پنهان است و فقط خود فرد و خدایش از آن آگاه است.

**ج:** خداوند تعالی در برابر نافرمانی بنده صاحب حلم و بردباری است و در کیفر و مجازات او شتاب نمی کند.

**د:** خداوند تعالی برای اینکه بنده از برانگیختن خشم او باز ایستد و از زشتیها و بدیها و آلودگی ها جدا شود و صاحب عزت گردد با فضل و کرم خود با بنده برخورد می کند و این شکیبائی خداوند برای اینست که عبد نزد خداوند صاحب کرامت و عزت است.

**د:** خداوند صاحب فضل و کرم است پس با بنده مدارا می کند تا او از معصیت دور شود .

**ذ:** بر شمردن گناهان ۱- اقرار به اعمال ناشایست

۲- تهوّرهای شدید بسمت باطل گرائی (تهوّر در جانب افراط شجاعت است، عبارتند از

اقدام در اموری که باید از آنها پرهیز کرد . یعنی اقدام به کاری که نباید انجام داد و انداختن خود در مهلکه هایی که در عقل و شرع منع شده است).

۳- ضعف حاصله در برخورد با ناملايمات و بر شمردن عيوب و گناهان خود. و شناختن راه

حق و تدبیر نکردن نسبت به تهدید های الهی.

۴- شهادت به گناهان از سوی عبد - جزء سرزنش نفس و طمع ورزی نسبت به مهربانی

های خداوند تعالی چیز دیگری نیست که امید به رحمت خداوند آزادی گردنهای خطاکاران است.

## درخواست از خداوند تعالی: بند ۱۰-

أفضلُ العبادةُ الدعاءُ - دعا بهترین عبادت است. (در دعا مهمترین شرط همان توجه و اقبال است و بدون آن دعا از درجه استجابت ساقط است).

الف: خدایا گردنم از مو نازکتر است به خاطر گناهانم، پس؛

ب: با درود بر محمد و آل محمد بر طبق خواسته تو، وارد بر دعاء می شوم. انشالله بتوانم طبق فرمان تو، با شیوه تو به استجابت برسیم:

"اللهم صل علی محمد و آل محمد یا حمید بحق محمد و یا علی به حق علی یا فاطر به حق فاطمه یا محسن بحق الحسن و یا قریب الاحسان به حق الحسین(ع)" از تو می خواهم این گردن را از خطا آزادش کنی.

خداوندا! این هم پشتم است که بار خطایا آن را سنگین کرده، با درود بر محمد و آل محمد از تو می خواهم که بر من منت گذاری و بار این خطا را برپشتم سبک گردانی.

اعتراف عبد به گناهان خود و امید به رحمت خدا و سعی در برقراری ارتباط با خدا در چند عبارت:

عبد می داند گناهکار است پس عبادت را بر می گزیند تا در سجاده عشق تسکین یابد. عبارتهای بازگشت از گناه، با تبت اینکه گناه هر چند کوچک باشد، بزرگ است چون نافرمانی خداست. پس در مناجات خود می گوید:

الف: آنقدر می گریم تا پلکهای چشمم بیفتد.

ب: خوف و خشیت وجودم را پر ساخته، پس این نقطه وصل من با توست.

ج: آنقدر می گریم تا نفسم قطع شود.

د: آنقدر می ایستم تا پاهایم ورم کند.

ذ: آنقدر سر تعظیم در برابرت فرود می آورم (رکوع) تا استخوانهای پشتم از هم بپاشد.

ر: آنقدر سجده های طولانی را بجا می آورم تا حدیقه چشمم از کاسه در آید.

ک: اقرار دارم که همیشه از خاک بهره می گیرم (اشاره به نعمتهای الهی که از خاک می روید؛ کنایه از خوردنیها و نوشیدنیها و پوشیدنیها) و از آب آلوده خاکستری تا پایان عمرم استفاده می کنم (کنایه از نطفه در رحم در ابتدا و انجام گناهان در طی عمر).

گ: با تجسم گناهان زاری می کنم و آنقدر ذاکر تو می شوم تا زبانم از کار افتد.

ل: شرمندگی وجودم را احاطه کرده پس نمی توانم چشم را بسوی آسمان بدوزم.

م: اگر شایسته بخشش باشم تو مرا می بخشی - وای از وقتی که استحقاق بخشش تو را نداشته باشم .

ن: خدایا! من جزای خودم را از آغاز دریافت کردم و آن جهنم است، اگر مرا عذاب کنی در حَقَم ظلمی نکرده ای، ولی باید بگویم که همیشه کرمت بر عقابت غالب بوده است.

و: خدایا تو را شناختم ولی گناه کردم ولی تو با وجود گناه، همواره نعمت را بر من باریده و هرگز آنرا تغییر نداده ای - و تو هرگز این شناخت را با وجود گناه تیره نکرده ای.

ی: خدایا! آنقدر می گیرم تا به من رحم کنی - گریه بر سوء رفتار خود در هر زمان و مکانی - گریه بر نادانیهای خود - گریه بر بی بصیرتی خود - گریه بر انجام آنچه که تو برانجامش نهی فرمودی.

## بند ۱۲ بند پایانی:

با درود بر محمد و آل محمد، خدایا از تو می خواهم و درخواست می کنم:

- مرا از گناهانم دور سازی.
- عبادت و بندگی را به من بیاموزی و مرا ابر آن استقامت بخشایی.
- توبه نیکو را روزیم گردانی.
- بوسیله توبه مرا تطهیر نمایی.
- در تزکیه نفس مرا یاری رسانی.
- عافیت حاصل از مغفرت و بخشش خود را به من بچشانی
- مرا در عفو خود خالص گردان و با رحمتت آزادم کن.

- برایم بنویس ،امان نامه دوری از خشم خود را -این بشارت را همراه با شناخت مصالح به من ارزانی دار-ومن را در شناخت آن استوار دار.

### والسلام علی من اتبع الهدی

منابع: تفسیر قران نمونه

پرواز در ملکوت امام خمینی(دو جلدی)

فرهنگ لغات نوین (دو جلدی)

محاضرات ایت الله میلانی